

تأثیر روش استقرا بر نظریات روابط بین‌الملل

(بررسی موردی رئالیسم و لیبرالیسم)

محمد مهدی مصباح*

چکیده

از زمانی که روش‌های تحقیق از علوم طبیعی وارد علوم اجتماعی و انسانی شد تحول زیادی در رویکردهای مهم نظریات روابط بین‌الملل رخ داده است. نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل با نگاه‌های متفاوت مسائل مهم بین‌المللی را تبیین و پیش‌بینی کرده است. با توجه به مسئله تحقیق این سوال مطرح است که روش استقرایی با رویکرد اثبات‌گرایی بر جریان‌های اصلی روابط بین‌الملل چه تأثیری داشته است. به نظر می‌رسد روش استقرایی برگرفته از رویکرد اثبات‌گرایی بیشترین تأثیر را در عرصه بین‌الملل بر دو نظریه اصلی لیبرالیسم و رئالیسم داشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد استفاده از روش استقرایی در فعالیت‌های تحقیقی و علوم انسانی و سایر علوم مثل فیزیک و زیست‌شناسی استفاده می‌شود، می‌توان علوم انسانی را به شیوه‌ای مشابه علوم طبیعی تبیین کرده و روش علمی را در مورد روابط بین‌الملل هم استفاده کرد. از دیدگاه رئالیست‌ها، روش مشاهده برای تأیید و تصدیق قدرت و منافع ملی در درجه اول اهمیت قرار دارد، با توجه عناصر قدرت و منافع ملی می‌توان رفتار آینده دولت‌ها را پیش‌بینی کرد؛ اما این پیش‌بینی بر اساس روندی است که از زمان شکل‌گیری نظام مبتنی بر دولت‌ملت‌ها بر روابط بین‌الملل حاکم بوده است و این فرآیند تا زمانی که دگرگونی به نظام مبتنی بر ملت‌ها وارد نشده است، ادامه خواهد داشت. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع مکتوب و کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: لیبرالیسم، رئالیسم، روابط بین‌الملل، استقرا، اثبات‌گرایی.

*دانشجوی روابط بین‌الملل

مقدمه

جهان فراطبیعی و جهان عینی در نظریه‌های مهم روابط بین‌الملل و سیاست‌گذاری در ارتباط تنگاتنگی باهم هستند. امروز همه ما برای تحلیل و تبیین مسائل مهم در بخش‌های گوناگون نیاز به نظریه‌هایی داریم که بتواند ما را جهت نیل به اهدافمان کمک کند. نظریه‌های فعلی در رشته روابط بین‌الملل با نگاه متفاوتی که به مسائل و موضوعات بین‌المللی دارند سعی در تبیین و پیش‌بینی مسائل مهم جهانی را دارند.

تاریخ علم گویای این نکته است که اکثر اندیشمندان از روش‌های مختلف برای تبیین مسائل مهم استفاده کرده‌اند. در مطالعات علوم مختلف تا عهد رنسانس کمتر از روش اثبات‌گرایی استفاده می‌شد. بعد از رنسانس است که استفاده از حواس و تجربه با توجه به روش مشاهده و استقرا دارای اهمیت شد. استفاده از روش‌هایی مثل؛ مشاهده، تجربه و آزمایش تا حدی مورد استفاده قرار گرفت که سایر روش‌ها تقریباً غیرعلمی و تا حدی خرافات و افسانه پنداشته می‌شد. نظریات اصلی در روابط بین‌الملل مانند؛ رئالیسم، لیبرالیسم و ساختارگرایی با تکیه بر روش اثباتی رو به تکامل گراییدند. روابط بین‌الملل از اوایل سده بیستم که به صورت یک حوزه تحقیقات دانشگاهی سر برآورد از تعدادی از رشته‌های علمی گوناگون الهام گرفته است (لمانت، ۱۳۹۶: ۳۳). در واقع روش‌های مختلف به خصوص رویکردهای علمی و اثباتی نقش مهمی در نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل داشته است. نظریات جریان اصلی مبتنی بر مبانی علم اثباتی هستند و تلاش دارند که حوزه روابط بین‌الملل را همچون علوم تجربی مورد واکاوی و شناخت قرار دهند (فتیحی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳).

یکی از آثار بسیار مهم رویکرد اثباتی تلاش برای ساخت نظریه‌های علمی کلان در رشته روابط بین‌الملل بود که سنگ‌بنای آن توسط والتز گذاشته شد و نای و کوهن نیز از آن تبعیت کرده و در قالب نهادگرایی نئولیبرال آن را بسط دادند. در راستای تلاش برای ایجاد چنین نگرشی بود که در دهه ۱۹۸۰ نظریه رئالیسم به نئورئالیسم و لیبرالیسم به نئولیبرالیسم تحول یافتند و در نتیجه به برنامه مسلط تحقیقاتی روابط بین‌المللی در دهه ۱۹۸۰ تبدیل شدند (waever, ۱۹۶۶: ۱۶۳). در واقع تلاش برای یافتن روشی مشترک برای علوم اجتماعی همانند علوم طبیعی رو به تزاید گذاشت.

روش استقرایی

مفهوم استقرا، مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی از معنی واحدی تبعیت نمی‌کند. مفهوم استقرا نوع خاصی از جست‌وجو و پژوهش است که در آن از جزء به کل سیر می‌شود. در واقع استقرا کاوش عمومی است که در آن مشاهده‌گر با توجه به تکرار مشاهده و تشابه موارد آن از مشاهده چند مورد جزئی، حکم کلی استخراج می‌کند، بدون آنکه به علیت دست پیدا کرده باشد. بر این اساس، روش استقرایی جمع‌آوری داده‌ها از طریق حواس برای رسیدن به شناخت است که برای واقعیت‌های مشهود و ملموس کاربرد دارد، اما برای شناخت واقعیت‌های

نامحسوس بدون کاربرد است (پور احمدی، ۱۳۹۴: ۲۴۲). در واقع داده‌های تجربی و قابل مشاهده نشان‌دهنده تحولات دنیای واقعی مورد علاقه ما با نظریه‌هایی است که می‌توانیم برای توضیح بهتر مسائل از آن استفاده کنیم. بر اساس روش استقراء، پژوهشگر با یافتن موارد بیشتر که حاکی از صدق نظریه است سعی می‌کند وضعیت مناسب‌تری برای نظریه خود تاجایی که بتواند حکمی علمی را ارائه نماید، فراهم کند. (قادری، ۱۳۷۹: ۱۸۱) این روش برای نمونه‌های کوچک معتبر است (دلاور، ۱۳۹۳: ۱۲) بر این اساس نمی‌توان صحت تعمیمات تجربی را اثبات کرد ولی با یافتن یک مورد استثنا، می‌توان فرضیه را ابطال کرد. فرضیه ابطال‌گرایی پوپر نیز بر همین نکته تأکید دارد. روش استقرا و مشاهده از علوم طبیعی وارد علوم اجتماعی شد و به قول آگوست کنت میان علوم طبیعی و اجتماعی نوعی وحدت روش وجود دارد؛ زیرا پدیده‌های طبیعی و اجتماعی از حیث ماهیت باهم تفاوتی ندارند. لذا می‌توان روش‌های علمی موجود در سایر علوم را در علوم اجتماعی نیز به کاربرد (بطائی، ۱۳۹۴: ۲۵). از آنجا که قوانین و اصول تحقیق و فعالیت‌های تحقیقی در علوم انسانی در علوم دیگر مثل فیزیک و زیست‌شناسی استفاده می‌شود، علوم انسانی به شیوه‌ای مشابه علوم طبیعی عمل کرده و روش علمی را می‌توان در مورد روابط بین‌الملل هم استفاده کرد. از دید کسانی که روابط بین‌الملل را رشته‌ای از علوم اجتماعی می‌دانند، باید روابط بین‌الملل را به شیوه سیستمی، تکرارپذیر و مبتنی بر شواهد بررسی کرد (لمانت، ۱۳۹۶: ۴۴). با توجه به این دیدگاه نظریات اصلی روابط بین‌الملل (رنالیسم، لیبرالیسم) که مبتنی بر رویکرد اثبات‌گرایانه و روش استقرایی است توانایی استخراج و تبیین مسائل مختلف را در عرصه روابط بین‌الملل دارد. این نظریات دارای فرضیات اثبات‌گرایی هستند که در اصول مشترک بنا شده‌اند. نظریه‌های علوم اجتماعی می‌توانند از همان روش‌های علوم طبیعی استفاده کنند؛ حقایق و ارزش‌ها از یکدیگر قابل تفکیک‌اند؛ حقایق بی‌طرف می‌تواند به عنوان ابزاری برای داوری درباره ادعاها و نظریه‌های متفاوت مورد استفاده قرار گیرد؛ جهان اجتماعی دارای قواعدی است که می‌توان آن‌ها را کشف کرد (اسمیت، ۱۳۹۵: ۵۰۶).

رنالیسم

رویکرد رنالیسم از جمله نظریات در روابط بین‌الملل است که بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان نظریه مسلط در روابط بین‌الملل قلمداد می‌شود. این نظریه باوجود انتقاداتی که بر آن وارد شده، توانسته است به عنوان نظریه غالب همچنان در مباحث سیاسی مطرح باشد. از آنجا که روش استقرا یکی از روش‌های پذیرفته شده در رویکرد اثبات‌گرایی است. رنالیسم در این معنا عبارت است از جمع‌آوری داده‌های عینی و معنا بخشیدن به آن‌ها از طریق برهان. بدین معنا که در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی یک کارشناس و متخصص امور سیاسی، با توجه به شواهد عینی و واقعی، رفتارهای بعدی رقیب را پیش‌بینی کرده و بر اساس آن رفتارهای خود را تنظیم می‌کند. در واقع، رنالیسم تأکید بر مؤلفه‌های ذهنی و واقعیات بیرونی دارد. از این‌رو شناخت واقع‌گرایانه، اعم از سنتی و

جدید، همان‌گونه که هابز می‌گوید تابعی از تعقل است. تعقل عبارت است از محاسبه و محاسبه یعنی جمع و تفریق کردن (فردریک، ۱۳۷۵: ۲۳).

از آنجا که قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی در ذات بشر نهفته است با توجه به روش استقرا که از جز به کل سیر می‌کند استفاده از روش استقرا که بر مشاهده تأکید دارد با مطالعه تاریخ و روابط میان ملت‌ها می‌توان به نوعی رفتار دولت‌ها را تبیین و پیش‌بینی کرد. آنارشی از جمله اصول و مفروضات مهم در نظریه رئالیسم محسوب می‌شود. تنها چیزی که به گفته هابز می‌تواند منجر به تأمین امنیت یک جامعه شود، پذیرش لویاتان است؛ نه یک انتخاب سیاسی، بلکه واکنش ضروری و اجتناب‌ناپذیر به یک وضعیت هرج‌ومرج گونه است. بدین معنا که این وضعیت نیز در نظام بین‌الملل حاکم بوده و از طریق سازوکارهای بین‌المللی مثل شورای امنیت سازمان ملل و قواعد اصولی که سازمان ملل به تصویب رسانیده است می‌شود هرج‌ومرج را در نظام بین‌الملل علی‌رغم تضاد با منافع ملی و حاکمیت دولت‌ها تحت کنترل درآورد.

همان‌گونه که در تعریف استقرا آمد، رفتار دولت‌ها را می‌توان با توجه به مسئله خاصی که شکل می‌گیرد توضیح داد. تولید سلاح‌های هسته‌ای که ناشی از برداشت آنارشی در نظام بین‌الملل است گویای این نکته است که دولت‌ها با مشاهده خاصیت بازدارندگی این سلاح‌ها سعی می‌کنند تا از رقیبان خود برای تولید سلاح هسته‌ای دست‌پیش بگیرند. بازدارندگی اتمی در واقع وضعیتی است که در آن هر دو طرف مخاصمه نگران هستند که مبادا در اثر حمله اتمی خود علیه دشمن، حیات و تمامیت ارضی خود را در اثر حمله متقابل یا به اصطلاح ضربه دوم دشمن از دست بدهند (ایزدی، ۲۰۰۵: ۶۳-۶۹).

متفکران رئالیست، برای تأیید و تصدیق نظریه خویش مبتنی بر این که قدرت و منافع در درجه اول اهمیت قرار دارد، بر این اعتقاد اند که با توجه به این دو عامل می‌توان رفتار آینده دولت‌ها را پیش‌بینی کرد؛ اما این پیش‌بینی بر اساس روندی است که از زمان شکل‌گیری نظام مبتنی بر دولت ملت‌ها بر روابط بین‌الملل حاکم بوده است و این فرآیند تا زمانی که دگرگونی به نظام مبتنی بر ملت‌ها وارد نشده است، ادامه خواهد داشت (عیوض زاده، بی‌تا: ۱۲۳-۱۲۴).

براساس نظریه رئالیسم ساختاری، طبیعت بشر ذاتاً خوب یا کمال‌پذیر نیست؛ بلکه انسان موجودی شرور، گناهکار و قدرت‌طلب است. لذا وظیفه دولتمردان، ترتیب دادن چارچوب سیاسی است که در داخل آن بتوان تمایل بشر به درگیری‌شان در منازعات را به حداقل رساند. نوع رئالیسم به جای دنبال دلایل انسانی و طبیعی هرج‌ومرج به دنبال روابط اجتماعی و علل اجتماعی آنارشی است. چنانکه مورگنتا از اندیشمندان شاخه واقع‌گرایی کلاسیک به این باور است؛ برای فهم رفتار خارجی دولت‌ها باید از

ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی سیاست‌مداران استفاده کرد. سلطه‌طلبی و تلاش برای افزایش قدرت در بخش‌های انسانی به خصوص در مبحث دولت‌ها ناشی از همین عوامل زیست‌شناختی و روان‌شناختی انسان‌ها است. از این‌رو، زندگی انسان‌ها در بخش سیاسی از سطح محلی گرفته تا سطح ملی، تلاشی است برای تداوم کسب و حفظ قدرت (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۵۷). با استناد به همین رویکرد می‌توان رفتار ترامپ و بایدن را در خروج از افغانستان پیش‌بینی کرد. در واقع تحت نفوذ واقع‌گرایان در علوم اجتماعی ایالات متحده آمریکا بود که روابط بین‌الملل به مثابه یک حوزه مطالعاتی مجزا در محافل علمی این کشور پذیرفته شد. لذا نقش رئالیسم در شکل‌گیری یک پارادایم روابط بین‌الملل بسیار زیاد و محوری بوده است (دیوتاک در دریان، ۱۳۸۰: ۱۹). تأکید بر منافع ملی و موازنه قوا در نظریه رئالیسم که به نوحی تداعی‌کننده روش استقرایی است نشان می‌دهد که این روش در عرصه روابط بین‌الملل برای حصول به نتیجه قابل قبول از اهمیت زیادی برخوردار است.

لیبرالیسم

علاوه بر رئالیست‌ها، لیبرال‌ها نیز به نوعی از رویکرد اثبات‌گرایی یا پوزیتیویستی پیروی می‌کنند. روش استقرایی که مبتنی بر مشاهده استوار است در نظریه لیبرال‌ها نیز تبلور پیدا کرده است. لیبرال‌ها هدف علم سیاست بین‌الملل را چیزی جز تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های بین‌المللی نمی‌دانند «چارلز مک‌لند» هدف دانش اثبات‌گرایی در روابط بین‌الملل را این‌گونه بیان می‌کند: «نظر علمی از این ایده گرفته شده است که دلایل زیادی که اغلب جدید هستند، جهت یادگیری و پیش‌بینی رفتار بین‌المللی وجود دارد و اکتشاف در مورد جریان تعاملاتی که ما قبلاً به عنوان واقعیت روابط بین‌الملل تعریف کرده‌ایم میسر و مقدور است. این جستجو و تلاش به دلیل وجود الگوهای قابل رؤیت و جواب‌های تکرارشونده و نظم و ترتیب کنش‌ها در روابط بین‌الملل است. هدف صریح برداشت باید شناخت الگوها و روندهایی باشد تا براساس آن‌ها توانایی پیش‌بینی آنچه احتمالاً در روابط بین‌الملل ممکن است حادث شود، داشته باشیم. این هدف به این معنا نیست که دقیقاً آنچه در ۱۹۸۷ در چین به وقوع خواهد پیوست و یا چه سالی و تحت چه شرایطی خاصی جنگ سرد به اتمام خواهد رسید، پیشگویی کنیم. معنای این هدف در حقیقت این است که ما این مهارت را داشته باشیم که نشان دهیم که باد به کدامین سو می‌وززد،

تحت شرایط و اوضاع اظهارشده، چه اتفاقی ممکن است که رخ دهد. در واقع علم با احتمالات مواجه است» (McCleand, ۱۹۶۴: ۴).

همان‌گونه که دیده می‌شود از منظر لیبرال‌ها با برداشت اثبات‌گرایانه با رهیافت استقرایی که متمرکز بر مشاهده است می‌توان رفتارهای بین‌المللی را پیش‌بینی کرد. هرچند با احتمالات سروکار داریم و به طور قطع نمی‌توانیم مسیر روابط بین‌الملل را حدس بزنیم. رفتارگرایان لیبرال نیز به این امر توجه لازم را داشته‌اند. مطابق نظر آن‌ها در میان پدیده‌ها و وقایع، قواعد مشابهی وجود دارد و این قواعد کشف کردنی هستند.

لیبرال‌ها با تأکیدی که بر برقراری صلح از طریق تفاهم و حقوق، هنجارها و سازمان‌های بین‌المللی داشتند، روش‌های تجویزی را در کارهای خود به کار می‌بستند؛ در واقع بر اساس آرمان‌ها و بایدهایی که بدان‌ها معتقد بودند به تفکر می‌پرداختند. لیبرالیسم با توجه به شواهد تاریخی و تأکید بر تجربه از جوامع گذشته به این باور اند که بازیگران مختلط شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیر حکومتی در عرصه بین‌الملل وجود دارند و می‌توان به جای زور از ابزار سیاسی و دیپلماتیک برای نفوذ به رهبران بیش از دولت‌ها در روابط بین‌الملل استفاده کرد (بایزیدی، ۱۳۹۳: ۲۱۹-۲۴۷).

نظریه لیبرال با توجه مستندات تاریخی سه مؤلفه مهم را به عنوان عامل به هم پیوسته برشمرده است. تجربه شکست جامعه ملل نشان داد که سازمان ملل متحد با منابع مشترکی که برای اهداف مشترک دولت‌ها و جوامع مختلف ایجاد کرده تقریباً توانسته است با دیپلماسی دائمی دوست و دشمن را در سازمان ملل همسو کند (مایزر، ۱۳۹۷: ۲-۴). منابع مشترک اقتصادی با تلاش کشورهای قدرتمند لیبرال و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توانسته است درصدی بالایی میان کشورها اعتماد لازم را برقرار کند. این در واقع باعث کاهش درگیری‌های فیزیکی بین دولت‌ها شده است. هنجارهای بین‌المللی مانند حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون در سراسر جهان به ارزش‌های مشترک تبدیل شده است.

بحث اصلی لیبرال‌ها این است که تمرکز قدرت زیاد و غیرقابل پاسخگو، تهدید اساسی برای آزادی افراد محسوب می‌شود و باید مهار شود. ابزار اصلی مهار قدرت، نهادها و هنجارها در سطح داخلی و بین‌المللی است (محمودی و دیگران، ۲۰۲۲: ۱۹).

نتیجه

از جمله روش‌هایی که از علوم طبیعی به علوم اجتماعی تسری یافته است می‌توان به روش استقرایی با رویکرد اثبات‌گرایی نام برد. از آنجا که نظریات اصلی روابط بین‌الملل مثل لیبرالیسم و رئالیسم بیشترین تأثیر را از روش اثبات‌گرایی با رویکرد استقرایی داشته است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این روش در عرصه نظام بین‌الملل و تصمیم سیاسی نقش ارزنده‌ای را بازی کرده است. رئالیسم با مشاهده و تجربه‌ای که از رفتار دولت‌ها و افراد به دست می‌آورند می‌توانند رفتار دولت‌ها را تبیین و پیش‌بینی کنند. چنانچه بامطالعه رفتار دونالد ترامپ قریب به اتفاق به این باور بودند که ترامپ با رویکرد اول امریکا نیروهای خود را از مناطقی از جهان به خصوص افغانستان خارج خواهد کرد.

لیبرال‌ها نیز با برداشت اثبات‌گرایانه با رهیافت استقرایی که متمرکز بر مشاهده به این باور هستند که می‌توان رفتارهای بین‌المللی را پیش‌بینی کرد. هرچند با احتمالات سروکار داریم و به طور قطع نمی‌توانیم مسیر روابط بین‌الملل را حدس بزنیم. رفتارگرایان لیبرال نیز به این امر توجه لازم را داشته‌اند. مطابق نظر آن‌ها در میان پدیده‌ها و وقایع، قواعد مشابهی وجود دارد و این قواعد کشف کردنی هستند.

منابع:

۱. اسمیت، استیو، (۱۳۹۵)، رویکردهای واکنش‌گرا و سازه‌انگاری در نظریه‌های بین‌الملل، در بیلپس، جان؛ اسمیت، استیو و دیگران، جهانی‌شدن سیاست (جلد اول): روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها)، مترجم ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران، چاپ چهارم، ابرار معاصر.
۲. ایزدی، (۲۰۰۵). بازدارندگی در حوزه سلاح‌های اتمی. *علوم و فنون نظامی سال دوم*، شماره ۴، ص ۶۳-۶۹.
۳. بایزیدی، رحیم. (۱۳۹۳). پارادایم‌های روابط بین‌الملل: بررسی پارادایم یک بودن رویکردهای نظری روابط بین‌الملل در ابعاد نظری، روش‌شناسی و شناخت‌شناسی. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۶(۱۸)، ۲۱۹-۲۴۷.
۴. بطحائی، صدیق (۱۳۹۴)، جایگاه خردگرایی انتقادی کارل پوپر در حوزه روش‌شناسی و تناسب آن با پوزیتیویسم ف فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۲۵-۴۶.
۵. پوراحمدی، حسین، (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر نظریه اسلامی روابط بین‌الملل؛ بازخوانش انتقادی نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. دشتگرد، مجید، بخشی تلپایی، رامین، فتحی، محمود جواد، بررسی مبانی فلسفی (فرانظری) نظریه‌های جریان اصلی در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات سیاست بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی (۱)، زمستان ۱۴۰۰، ص ۶۰-۳۷.
۷. دلاور، علی (۱۳۹۳)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: موسسه نشر ویرایش
۸. دیوتاک، ریچارد و دردریان، جیمز (۱۳۸۰)، نظریه انتقادی، پست‌مدرنیسم، نظریه مجازی در روابط بین‌الملل، ترجمه حسین سلیمی، تهران: نشر گام نو.
۹. شیرزبان، جلال‌الدین، زرگر، افشین، کیهان لو، & محمودی. (۲۰۲۲). لیبرالیسم، حقوق بین‌الملل و حکمرانی مطلوب. فصلنامه مطالعات بین‌الملل (۲) ۱۹.
۱۰. عیوض‌زاده، حسن، (بی‌تا)، مطالعات بین‌المللی از منظر سنت اثباتی و فرااثباتی در روابط بین‌الملل، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ص ۱۱۳-۱۵۰.
۱۱. قادری، حاتم (۱۳۷۹)، *اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران: سمت.
۱۲. کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه*، ج ۵ (فیلسوف انگلیسی)، امیر جلال‌الدین اعلم، تهران، سروش، ۱۳۷۵، ص ۲۳.
۱۳. لمانت، کریستوفر، (۱۳۹۶)، روش‌های پژوهش در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: چاپ اول نشر چاپخش.
۱۴. مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۹)، *سیاست میان‌ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح*، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: نشر وزارت امور خارجه.